مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۱ . زمستان ۱۳۹۹
Urban managment
No.61 Winter 2020
67 -81
تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۹/۲۶ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۱۱/۲۹

بررسی جایگاه بوم‌گرایی تفسیری در طراحی بناهای میان‌افزا در بافت تاریخی شهر دزفول با استفاده از روش آنتروپی–تاپسیس[1]

بهناز صفرعلی نجار – کارشناس ارشد معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه صنعتی جندی‌شاپور دزفول، ایران.r
کورش عطاریان*– استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه صنعتی جندی‌شاپور دزفول، ایران.
کورش مؤمنی– دانشیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه صنعتی جندی‌شاپور دزفول، ایران

چکیده

بافت‌های تاریخی شهرها به‌عنوان مجموعه‌ای از میراث ملموس و ناملموس از هر جامعه شناخته می‌شوند، اما فرسودگی و تخریب‌های ناشی از گذر زمان و از سوی دیگر، حذف تدریجی و یا تغییر عملکرد بعضی بناها در بافت‌های تاریخی، اهمیت و نیاز به توسعه‌های درون بافتی و طراحی بناهای میان‌افزا را مطرح می‌سازد. شهر دزفول با داشتن بافت تاریخی شهری زنده، همانند سایر شهرهای تاریخی با مخاطراتی جهت دستیابی به توسعه‌های میان‌افزا روبه‌رو است. هدف از این پژوهش بررسی استراتژی ترجیحی متخصصان معماری، شهرسازی و مرمت برای طراحی بناهای میان‌افزا در این شهر می‌باشد. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش به صورت توصیفی- تحلیلی، و جمع‌آوری اطلاعات به صورت پیمایشی و از طریق تحلیل از طریق آنتروپی–تاپسیس است. همچنین اطلاعات به دو طریق مطالعات اسنادی و میدانی (پرسشنامه) جمع‌آوری شده است. جامعه آماری این تحقیق ۱۵ نفر هیئت علمی رشته‌های شهرسازی، معماری و مرمت دانشگاه صنعتی جندی‌شاپور دزفول می‌باشند. نتایج نشان می‌دهد که انسجام، ارتباط نزدیک، معنادار بودن، دلپذیر و خوشایند بودن، نوآوری و درنهایت پیچیدگی در زمینه ترتیب اولویت مؤلفه‌ها در میان سه رشته معماری، شهرسازی و مرمت در میان متخصصان است و از طرف دیگر اهمیت توجه بستر و زمینه در بافت‌های تاریخی و همچنین گرایش افراد به زندگی در فضاهای مدرن در دنیای امروز، نیاز به تعیین جایگاه رویکردی نوین در بوم‌گرایی، یعنی بوم‌گرایی تفسیری را در طراحی‌های میان‌افزا مطرح می‌کند.

واژگان کلیدی:طراحی میان‌افزا، طراحی در بافت‌های تاریخی، بوم‌گرایی تفسیری، شهر دزفول، آنتروپی-تاپسیس

Investigating the Place of Interpretive Vernacularism in Designing Infill Buildings in The Historical Context of Dezful By Entropy-TOPSIS Method

Abstract
Historical centers of urban formation are known as a collection of tangible and intangible heritage of any society, but on the one hand the importance and need for intra-textural development and the design of infill buildings in the historical context of cities, the destruction caused by the passage of time and on the other hand the gradual elimination or change of performance of some buildings, but if this is done in an unbalanced way, regardless of the context and hasty, leads to inconsistency and The old urban fabric is damaged. Due to the need for urban development, the city of Dezful, with its living historical urban fabric, like other historical cities, is in danger of achieving intermediate development. This study aims to investigate the preferred strategy of architecture, urban planning, and restoration specialists for the design of infill buildings in the historical context of Dezful so that it can be a guide for experts in infill and specific designs in this city. To this end, the study was conducted in one of the oldest neighborhoods in the city.
The research method of this research is interpretive. Also, information was collected through documentary and field studies (questionnaire), and questionnaire has been analysis by entropy-topsis method. The statistical population of this research is ۱۵ faculty members in the fields of urban planning, architecture and restoration of Jundi-Shapur University of Technology in Dezful. The results show that coherence, close relationship, meaningfulness, pleasantness, innovation and finally complexity in the order of priority of components among the three disciplines of architecture, urban planning and restoration among professionals and on the other hand the importance of contextual attention. And the context in historical contexts, as well as the tendency of people to live in modern spaces in today's world, raises the need to determine the place of a neo-vernacularism, that is, interpretive vernacularism in infill designs.

Key Words: Infill Design, Design in the historical urban contexts, Interpretive Vernacularism, Dezful city, Entropy-Topsis method

۱- این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد بهناز صفرعلی نجار با عنوان " طراحی باغ‌موزه آب در شهر دزفول با رویکرد بوم گرایی تفسیری" در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه صنعتی جندی‌شاپور دزفول به راهنمایی آقای دکتر کورش عطاریان و مشاوره آقای دکتر کورش مؤمنی می‌باشد.

* نویسنده مسئول attarian@jsu.ac.ir

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

۱. مقدمه

قبـل از توسـعه صنعتـی، شـهر مجموعـه‌ای در رابطـه بـا میـزان برخـورداری از موهبت‌هـای بوم‌شـناختی زمینـه خـود بـود (عبدالحمیـدی و دیگـران، ۱۳۹۸، ۲۵۶). بنابرایـن ازجملـه میـراث شـهری هـر منطقـه، بافـت و معمـاری بومـی آن اسـت. بافت‌هـای کهـن بـه دلایـل متعـددی از قبیـل اتفاقـات تاریخـی، سـکونت شـخصیت‌ها، خاطـرات شـهروندان، ارزش‌هـای معمـاری خـاص و... از ارزش فرهنگـی فراوانـی برخـورد می‌باشـند (رفیعیـان، بمانیـان و رفیعیـان ۱۳۹۰). امـروزه بافـت تاریخـی و بومـی شـهرها، اغلـب بـه دلیـل فرسـودگی بـه فراموشـی سـپرده شـده‌اند و بـرای پیونـد آن بـا شـهر امـروز، بازگردانـدن هویـت و سـرزندگی و رسـیدن بـه کیفیـت مطلـوب شـهری، بایـد از سـاختارهای جدیـد و میان‌افـزا به‌عنـوان پروژه‌هـای محـرک توسـعه اسـتفاده کـرد. امـروزه توسـعه میان‌افـزای شـهری رویکـرد مناسـب و شـناخته شـده‌ای اسـت (عبدالحمیـدی و دیگـران، ۱۳۹۸، ۲۵۶؛ صارمـی، ۱۳۹۲، ۲۹۹؛ ملکشـاهی و دیگـران، ۱۳۹۷، ۱۳۰). هرسـاله سـطح وسـیعی از بافت‌هـای تاریخـی و بومـی شـهرها بـه دلایـل و در ابعـاد مختلـف تخریـب و مجـدداً سـاخته می‌شـوند. بـا ایـن وجـود، افـزودن سـاختارهای معاصـر در یـک محیـط تاریخـی موضوعـی جدیـد نیسـت، امـا ارائـه آن به‌عنـوان روشـی بـرای توسـعه کارآمـد شـهری، در قـرن ۲۰ میـلادی مطـرح و در آن بـر الـزام اسـتفاده حداکثـری از امکانـات موجـود داخـل بافـت شـهری تأکیـد شـد (قره‌بگلـو و دیگـران، ۱۳۹۸: ۵۸) و عـلاوه بـر آن، مسـأله اساسـی در ایـن امـر، کیفیـت توسـعه میان‌افـزا در زمینـه تاریخـی موجـود اسـت امـا امـروزه بـه دلیـل فقـدان هدایـت لازم، بـه یکـی از تهدیدهـای جـدی در بافت‌هـای تاریخـی تبدیـل شـده اسـت. رشـد و توسـعه بافت‌هـای تاریخـی و طراحـی در اینگونـه زمینه‌هـا کـه دارای اهمیـت فراوانـی بـه لحـاظ بوم‌گرایـی و حفـظ آن می‌باشـند، حساسـیت طراحـان، معمـاران و متخصصیـن شـهری را می‌طلبـد.

سـاخت بناهـای جدیـد در زمینه‌هـای تاریخی-بومـی امـری بسـیار پیچیـده اسـت؛ چـرا کـه اینگونـه بناهـا از آن جهـت کـه سـاختارهایی جدیـد در درون بافـت تاریخـی هسـتند، بایـد روح زمـان حاضـر را القـا و بیـان کننـد. امـا در عیـن حـال، طـرح آنهـا بایـد سـاختار بومـی را کـه در زمینـه آن قـرار گرفتـه، موردتوجـه قـرار دهـد (نائینـی و سـهیلی، ۱۳۹۸: ۱۱۲). متأسـفانه در معمـاری معاصـر، مبانـی نظـری و رویکردهـای اصولـی طراحـی بناهـای میان‌افـزا در بافـت و زمینه‌هـای تاریخـی مـورد بیمهـری بـوده اسـت (مسـعود، ۱۳۹۱، ۶۱). لـذا تبییـن ابعـاد میان‌افزایـی در بافـت تاریخـی بـا توجـه بـه اهمیـت بوم‌گرایـی در سـال‌های اخیـر، نیازمنـد حوزه‌هـای شهرسـازی، معمـاری و مرمـت اسـت. بـا درک ضـرورت موضوعـی پژوهـش در روش‌هـا و فنـون طراحـی میان‌افـزا در بافت‌هـای تاریخـی، به‌کارگیـری اسـناد هدایـت شـهری می‌توانـد زمینه‌سـاز دسـتیابی بـه کیفیـت مطلـوب توسـعه‌های میان‌افـزا متناسـب بـا بافـت تاریخـی باشـد. در ایـن پژوهـش بـه بررسـی راهبـرد معمـاران و متخصصـان مرمـت و شهرسـازی بـرای طراحـی بناهـای میان‌افـزا پرداختـه شـده اسـت. هـدف اصلـی تحقیـق نیـز یافتـن الگویـی طبـق راهکارهـای پیشـنهادی متخصصـان در بافـت تاریخـی شـهر دزفـول از دیدگاهـی بوم‌گرایانـه اسـت کـه بتوانـد مبنایـی بـرای ارزیابـی میان‌افزایـی در بافـت تاریخـی شـهر دزفـول باشـد. همچنیـن ایـن الگـو می‌توانـد در مسـیر برنامه‌دهـی به‌منظـور توسـعه و رونـق اقتصـادی و صنعـت گردشـگری و همچنیـن طراحـی مدنظـر قـرار گیـرد. ایـن پژوهـش بـا نگرشـی تفسـیری بـه بررسـی معمـاری میان‌افـزا پرداختـه می‌شـود تـا بـه نتایـج بنیـادی در مطالعـات و همسـو بـا تغییـرات بافت‌هـای تاریخـی بـا مسـاله تغییراتـی کـه ناشـی از تأثیـر دنیـای امـروز بـر بافت‌هـای تاریخـی اسـت، دسـت یابـد. یکـی از مهمتریـن مؤلفه‌هـای معمـاری بوم‌گـرا (چـه بـه صـورت سـنتی و چـه نویـن)، بسـتر و زمین‌هـای اسـت کـه مولـد ایـن معمـاری اسـت. در پژوهـش حاضـر مؤلفه‌هـای شـناختی در دو بعـد کالبدی-فیزیکـی و هویتـی-معنایـی در بافـت قدیمـی شـهر دزفـول بررسـی شـده‌اند.

۲. پیشینه تحقیق

پیشـینه تحقیـق در ارتبـاط بـا ایـن موضـوع را بـه صـورت کلـی می‌تـوان در دو بخـش الـف) زمینـه و بوم‌گرایـی و ب) بافـت تاریخـی و میان‌افزایـی تقسـیم نمـود. در برخـورد بـا بافت‌هـای تاریخـی، دیدگاه‌هـا و انتخاب‌هـای مختلفـی وجـود دارد. انتخـاب مناسـب الگوهـای میان‌افـزا در بافت‌هـای تاریخـی مسـتلزم نـگاه بـه گذشـته و ویژگی‌هایـی اسـت کـه بـه صـورت مسـتمر منجـر بـه شـکل‌گیری بافت‌هـا شـده‌اند. برخـی از مؤلفه‌هایـی کـه باعـث تفـاوت ایـن دیدگاه‌هـا می‌باشـند عبارتنـد از هویـت، رعایـت همگونـی و هماهنگـی بـا بناهـای مجـاور بـه لحـاظ فرمـی، کاربـرد فرم‌هـای ناهماهنـگ بـا بافـت تاریخـی و غیـره کـه در جـدول شـماره ۱، بـه برخـی از پژوهش‌هـای مرتبـط اشـاره شـده اسـت.

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۱ . زمستان ۱۳۹۹
Urban managment
No.61 Winter 2020

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

جدول (۱): پژوهش‌های مرتبط با زمینه‌گرایی و بوم‌گرایی

زمینه‌گرایی و بوم‌گرایی	
راجر ترانسیک (۱۹۸۶)	توجه به نمونه‌های سنتی فضای شهری به صورت فرمال و مفهومی و تأکید بر جنبه‌های انسانی.
محمدرضا بمانیان، آیلار کلوی و حسین اشکوه (۱۳۹۱)	عدم وجود یک استراتژی مناسب برای مدیریت توسعه، چالش‌هایی را برای توسعه آتی فراهم نموده که این موضوع ضرورت تدوین یک استراتژی جامع برای مدیریت را نمایان می‌سازد.
هومن فروغمند اعرابی، مریم خبازی و هوشنگ فروغمند اعرابی (۱۳۹۵)	به بررسی ضعف ساختاری نظریه‌ها با تجربیات پرداخته است.
اسماعیل ضرغامی و سیده اشرف سادات (۱۳۹۶)	شناخت معماری بومی و ارائه راهکارهایی به‌منظور طراحی فضایی با کیفیت و هویت
زهره خوش اندام، وحید وزیری و توحید حاتمی خانقاهی (۱۳۹۷)	استفاده از راهکارهای مختلف در راستای حفظ ارزش‌های بومی و شناساندن آن به مردم و استفاده از آنها در معماری امروز
سیده الهام علوی نژاد، سید غلامرضا اسلامی و فرح حبیب (۱۳۹۷)	در راستای واکاوی ناهماهنگی بناهای میان‌افزا در بافت تاریخی شهر ایرانی–اسلامی و نقد زمینه‌گرایی موجود گام برداشته است
غلامرضا علی محمدی و رکسانا عبدالهی (۱۳۹۷)	ریشه‌های مشترک را در مؤلفه‌های بومی‌سازی فرهنگ در معماری گذشته ایران میافته که با به‌کارگیری آنها می‌توان در ارتقای حس تعلق به مکان فضاهای امروزی مؤثر واقع شود.

مباحث و مطالعات مرتبط با بوم‌گرایی و زمینه‌گرایی از دهه ۶۰ میلادی مطرح شد و که در مورد الحاق اجزای جدید به شکل شهر بحث می‌کند (برولین، ۱۳۸۳). افرادی از قبیل ریچارد هدمن (۱۹۸۴) به ارتباط بصری بین ساختمان موجود و طرح پیشنهادی پرداخته و افرادی مانند کالین رو (۱۹۷۵) ترکیب ویژگی‌های فضایی شکلی شهر سنتی و معاصر را پیشنهاد داده‌اند. کاپن (۱۹۹۹) اطلاعات زمین‌های (فرمی، انسانی، بصری) را جهت طراحی در زمینه مطرح می‌کند (پاکزاد، ۱۳۹۰: ۴۲۶–۴۶۱؛ به نقل از علوی زاده، اسلامی و دیگران، ۱۳۹۷: ۷۰). در جدول شماره ۲ به برخی پژوهش‌های مرتبط با بافت تاریخی و میان‌افزایی اشاره شده است.

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۱ . زمستان ۱۳۹۹
Urban managment
No.61 Winter 2020

جدول (۲): پژوهش‌های مرتبط با بافت تاریخی و میان‌افزایی

بافت تاریخی و میان‌افزایی	
محمدتقی رهنمایی و پروانه شاه‌حسینی (۱۳۸۳)	ارزیابی انواع طرح‌های توسعه بافت قدیم و دوگانگی در طرح‌های بهسازی بافت قدیم
علیرضا عندلیب (۱۳۸۹)	بررسی نظریه‌ها و شخصیت‌ها و تجربه‌های نوسازی از گذشته تا به امروز در سطح جهان و بررسی تجارب علمی در ایران.
غلامرضا ملکشاهی، صدیقه لطفی و مهدیه مهدوی (۱۳۸۹)	این پژوهش بیانگر این امر است که بافت‌های فرسوده با کمبود زیرساخت‌های فیزیکی مواجه هستند.
مجتبی رفیعیان، ناصر براتی و مرضیه آرام (۱۳۸۹)	بالاترین قابلیت توسعه، مربوط به محدوده‌هایی است که بیشترین مشکلات را از لحاظ شاخص‌های کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی دارند و پلاک‌هایی که از لحاظ ضوابط و قوانین منطقه‌بندی شرایط مناسبی دارند، دارای بیشترین ظرفیت توسعه‌اند.
حسین اسمعیلی سنگری (۱۳۹۳)	پویاسازی و احیا بافت‌های تاریخی با استفاده از پتانسیل‌های بافت‌های تاریخی.
حمیدرضا باحقیقت منگودهی، رضا پرویزی، امیررضا کریمی آذری و سپیده نمازی جوکندان (۱۳۹۴)	شاخص‌های معماری بومی بافت قدیم قرارگاه رفتاری اجتماعی همواره بر میزان سرزندگی افراد مؤثر هستند.
رقیه عطایی و محمدرضا پورمحمدی (۱۳۹۴)	شناخت مؤلفه‌های کالبدی، کارکردی و هویتی، هم در جهت مداخله در بافت‌های تاریخی و هم در جهت تعمیم انگارهای آن به سایر بخش‌ها حائز اهمیت‌اند. شکل‌گیری و حیات بافت‌ها در تداومی تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، و محیطی به صورتی منسجم و هماهنگ عیان گردیده است.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

میرسعید موسوی، حمید ماجدی و فرح حبیب (۱۳۹۵)	با وجود اینکه بهترین ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و معماری هر شهر در آن نهفته است اما به نظر می‌رسد بیشترین مشکلات مرتبط با بافت قدیم شهر در ایران ناشی از عدم شناخت دقیق ماهیت آن و عدم تلاش برای تطبیق آن ماهیت با شرایط معاصر می‌باشد.
حمیدرضا تلخابی، علی شماعی، زهره داودپور، اصغر شکیبایی (۱۳۹۵)	معیارهای اولویت‌دار تلفیقی- بومی به ترتیب شامل: برنامه‌ریزی هماهنگ با محیط طبیعی، ترکیب و تنوع کاربری‌ها، پیاده مداری، توزیع عادلانه کاربری‌های خدمات اجتماعی- فرهنگی و... از ضروریات برنامه‌ریزی توسعه شهری هستند.
مسعود قادریان (۱۳۹۶)	توسعه میان‌افزا در بافت‌های تاریخی باید هم پیوند با زمینه آن باشند.
علیرضا غفاری (۱۳۹۶)	تحلیل نشانه شناختی در گذشته و معاصر، مشخص می‌کند که چگونه لایه‌های مختلف و سازنده بافت سنتی، ارتباطی هم‌افزا و بافت‌ساز و بالعکس در معاصر، برهم خوردن ارتباط لایه‌های رمزگان، اعم از اجتماعی-فرهنگی، کارکردی، زیبایی‌شناختی، معنایی و...، انسجام زدایی و اغتشاش سامانه بافت را موجب شده است.
محمدحسن زال، مهدی رمضانی لسبوئی و امین اسماعیلی (۱۳۹۷)	معماری و بناهای تاریخی، نشانگر ظرفیت‌های فراوان در توسعه گردشگری میراث فرهنگی هستند. اما میان ظرفیت‌ها و سطح توسعه یافتگی گردشگری فاصله است.
مینو قره بگلو، احد نژاد ابراهیمی و ایلقار اردبیلچی (۱۳۹۸)	معماری میان‌افزا در نگرش میان‌رشته‌ای در حوزه شهرسازی، معیارهای مطرح در توسعه هوشمند، پایدار و نوشهرگرایی، در حوزه مرمت، اهداف معین در مرمت شهری و مرمت معماری، و در حوزه معماری، طراحی محافظه کارانه، معاصرساز و اعتدال گرایانه را مدنظر قرار می‌دهد.
شکوفه سادات نائینی و جمال‌الدین سهیلی (۱۳۹۸)	بررسی استراتژی ترجیحی متخصصان معماری شهرسازی و مرمت برای طراحی بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی و شناخت دیدگاه‌های ترجیحی متخصصان و مقایسه آن با دیدگاه‌های شهروندان و کشف شباهت‌ها و تفاوت‌های میان دیدگاه‌های این دو گروه می‌تواند راهنمای متخصصان در طراحی‌های میان‌افزای آینده باشد.
مهسا عبدالحمیدی، سمانه جلیلی صدرآباد و فریبرز دولت‌آبادی (۱۳۹۸)	یک از راهکار برای بازگرداندن سرزندگی به بافت‌های تاریخی، وجود بناهای میان‌افزا در این بافت‌هاست. چراکه هم‌نشینی تازه‌ای میان عناصر موجود و بناهای میان‌افزا شکل می‌گیرد و از آنجا که به لحاظ دوره زمانی ساخت، هم‌دوره سایر بناهای پیرامون نیستند، طبعاً محل بروز چالش‌هایی است. درنتیجه انتخاب مناسب الگوهای معماری میان‌افزا موجب مداخله‌ای موفق‌تر می‌گردد.

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۱ . زمستان ۱۳۹۹
Urban managment
No.61 Winter 2020

"معماری بومی"در دوره معاصر از طریق نمایشگاه تأثیرگذار برنارد رودوفسکی (۱۹۶۴)، موردتوجه گسترده دنیای آکادمیک قرار گرفت. پس از آن به‌ویژه دانشمندان غربی، شروع به توسعه مطالعات معماری بومی نمودند. به‌عنوان مثال به: راپاپورت (۱۹۶۹)؛ الیور (۱۹۶۹ و ۱۹۹۷)؛ برونسکیل (۱۹۷۱) مراجعه شود (Xiaoxin & Kelly, 2019). با توجه به بررسی‌های انجام شده در تحقیقات پیشین، فقدان پژوهش در بافت تاریخی و میان‌افزایی و مواجه با بوم‌گرایی به‌عنوان رویکردی منتج از بستر و زمینه کاملاً مشهود است. بنابراین پژوهش حاضر در این راستا از دیدگاهی تخصصی به بررسی میان‌افزایی به‌عنوان یک مساله میان‌رشته‌ای از بعد بوم‌گرایی می‌پردازد تا به تبیین دقیق جایگاه بوم در برخورد با بافت تاریخی و طراحی در آن دست یابد.

۳. ادبیات تحقیق

۳-۱- میان‌افزایی

بخش تاریخی شهرها میراث ارزشمند معماری و کالبدی باقی‌مانده از گذشتگان است که درگذر زمان در هویت بخشی به حیات شهری، نقش مهمی را برعهده دارد. این مناطق جلوه‌گاه ابعاد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و هویتی مردمانی است که در دوره‌های تاریخی در این بخش از شهر روزگار سپری کرده و هویت فرهنگی آن را به ثبت رسانده‌اند (کلانتری خلیل‌آباد و پوراحمد، ۱۳۸۴: ۷۷؛ آقایی زاده و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۵۱). ساختار شهرهای کهن، استعداد و قدرت حیات و زندگی را دارد و پدیده‌ای ماندگار است (تابان، پورجعفر، ۱۳۸۷: ۲۴). یکی از بزرگترین دغدغه‌های شهری، هدایت توسعه آن در جهت پایداری در همه ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی است. در جهت نیل به این منظور لازم است به جای توسعه و

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

رشد بی‌رویه شهر به صورت افقی، از طریق پر کردن بافت موجود شهر، افزایش متعادل تراکم و تغییر کاربری بناهای قدیمی و آلوده کننده به رشد و توسعه پایدار شهر دست یافت (میرمقتدایی، رفیعیان و سنگی ۱۳۸۹: ۴۴). توسعه میان‌افزای شهری در ۱۹۷۶ میلادی در کنفرانس هبیتات دوم، مطرح و در ۱۹۷۹ میلادی توسط انجمن املاک و مستغلات آمریکا رسماً تعریف شد (پورموسوی، ناصر مستوفی و شکوهی بیدهندی، ۱۳۹۳: ۱۱). در حقیقت توسعه میان‌افزا منطقی‌ترین راه‌حل پیشروی این قبیل مشکلات شهری است. با این دغدغه توسعه‌های میان‌افزا به‌عنوان فرآیند بازیافت خلاقانه زمین‌های بلااستفاده در شهرها مفهوم می‌یابند (قادریان، ۱۳۹۶: ۹۵). این تعریف تا اواخر قرن ۲۰ میلادی غنی شد، اما بازه آن از تأکید بر افزایش تراکم و باززندهسازی بافت شهری فراتر نرفت (Farris, 2001; Haughey, 2001; Robinson & Cole, 2002). توسعه میان‌افزا یا توسعه از درون در حقیقت نوعی از توسعه است که برخلاف سایر سیاست‌های توسعه شهری، در بستر شهر موجود و با حضور ساکنان و شهروندان و واحدهای همسایگی صورت می‌پذیرد. این نوع از توسعه که دارای ابعاد قوی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی است، نه فقط یکی از کارهای فیزیکی کالبدی و شهرسازی است، بلکه موضوعی پیچیده و چندوجهی، میان بخشی و حتی فرابخشی است (رفیعیان، براتی و آرام، ۱۳۸۹: ۴۹). میان‌افزایی داخل فضای قابل استفاده بافت شهری، بافت‌های تاریخی را به‌عنوان یکی از محیط‌های قابل استفاده مطرح می‌کند. این بافت تاریخی که به دلیل جنبه‌های کالبدی و غیرکالبدی آن اهمیتی دو چندان دارد، نیازمند حساسیت بیشتر است. بنابراین بیشتر در حوزه حفاظت–مرمت موردتوجه است. با این وجود آنچه در این حوزه اهمیت دارد، ارائه ساختاری جدید است که با توجه به واژگان معماری قرن ۲۱ میلادی شکل گرفته (Worthington, 1998: 179) و منطبق بر الگوی نوین فعالیت و تکنولوژی‌های در حال توسعه باشد و موقعیت‌هایی را برای توسعه شهر در بافت موجود توسط آیندگان فراهم کند (ترکزبان و محمدمرادی، ۱۳۹۰). وقتی فضاهای خالی توسط دانه‌ها و اجزای میان‌افزا پر می‌شوند؛ هم‌نشینی تازه‌ای میان عناصر موجود و بناهای میان‌افزا شکل می‌گیرد که می‌تواند رویکردها و کیفیات بسیار متنوعی را در برداشته باشد (مسعود، ۱۳۹۱، ۲۵). بنابراین، ساختارهای جدید از منظر سبک، فرم و توده، سازه و شیوه ساخت، کاربری و روابط فضایی، مصالح، جزئیات، مقیاس و تناسبات (Warren, Worthington & Taylor, 1998: 10-16؛ ترکزبان و محمدمرادی، ۱۳۹۰؛ شاه‌تیموری و مظاهریان، ۱۳۹۱) باید با معماری معاصر همخوان باشند و حداکثر ارتباط و پیوستگی با بافت مجاور را با حداقل آسیب بصری به آن تأمین کنند (Worthington, 1998: 179). اکثر مطالعات مرتبط راهکارهایی را ارائه داده‌اند که معمار، با اهداف حفاظتی و بعضاً معماری، باید آنها را در طراحی بنای میان‌افزا مدنظر قرار دهد. مطالعه بر روی نمونه‌ها و سبک‌های طراحی مختلف در هر یک به وضوح عدم ثبات را تعداد مشخصی برای رویکردهای موجود در طراحی میان‌افزا نشان می‌دهد. واکاوی سبک‌های مختلف بیانگر وجود سه جهت‌گیری عمده (محافظه‌کاری، معاصرسازی و اعتدال‌گرایی) در طراحی میان‌افزا در بافت تاریخی است (قره بگلو، نژاد ابراهیمی و اردبیلچی، ۱۳۹۸: ۶۲). در محافظه‌کاری، اصل بر حفاظت بافت تاریخی و کمک به تداوم و پیوستگی آن است و تا حد امکان طرح با تبعیت از زمینه تاریخی است و تمایلی به افزودن لایه تاریخی معاصر به بافت وجود ندارد (قدیری، ۱۳۸۵: ۲۰–۳۴). رویکرد دوم، معاصرسازی، اولویت را به افزودن بنای معاصری می‌دهد که بیانگر ارزش‌های مربوط به انسان معاصر را دارد و حفاظت و الزامات شهرسازی را اولویت‌های بعدی می‌داند. سبک‌های طراحی در این نگرش معمولاً به گرایش‌های زمینه گریزی و زمینه ستیزی منتهی می‌شوند و لایه‌های مختص معماری معاصر را نیز به بافت می‌افزایند (CABE, 2005: 5). رویکرد سوم، اعتدال‌گرایی، برای هر سه حوزه مطالعاتی به یک میزان اهمیت قائل است. این رویکرد به کمک روش طراحی معماری خنثی یا درجه صفر، معماری نا آشکار یا آیینه‌ای و استفاده از خطوط وحدت‌بخش (قدیری، ۱۳۸۵: ۹۳–۸۷) بنایی معاصر را به بافت تاریخی اضافه می‌کند (قره بگلو، نژاد ابراهیمی و اردبیلچی، ۱۳۹۸: ۶۴).

۳-۲- بوم‌گرایی تفسیری

اساس شکل‌گیری معماری بومی، شناخت پتانسیل‌ها و

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

دانش محلی با استفاده از مشارکت عمومی مردم منطقه و مطابق با شرایط اقتصادی جوامع می‌باشد. اولین مطالعات در این راستا در دهه ۱۹۴۰ میلادی انجام پذیرفت. در بررسی‌های انجام شده و نظرات معماران درباره معماری بومی، تمامی افراد، معماری بومی را آن‌گونه که تا آن زمان شناخته شده بود (فرم‌های سنتی و ظاهر قدیمی) رد و به دنبال معماری مطابق با معماری روز اما منطبق بر اصول معماری بومی بودند. به این ترتیب، نیاز به ایجاد گرایشی جدید در معماری بومی پیدا شد. گرایشی که مبتنی بر اصول موجود در معماری بومی اما منطبق با تکنولوژی و نیازهای زیبایی‌شناختی مردمان جوامع روز باشد. بنابراین بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰، واژه‌ای مطرح شد که فصلی جدیدی از معماری بومی را آغاز نمود. بوم‌گرایی نوین نامی بود که به این نوع معماری داده شد که مقابل بوم‌گرایی سنتی قرار داشت. این نوع از معماری به احیا بومی و تمامی ملحقات آن در شهر و معماری پرداخته و به ترکیب "قدیم و جدید" می‌پردازد. تفاوت‌های بوم‌گرایی نوین با معماری بومی را می‌توان در دامنه کاربرد، مصالح و تکنولوژی ساخت مشاهده نمود. درواقع بوم‌گرایی نوین به دنبال شناخت بوم و معماری هر منطقه به‌عنوان شناسنامه معماری هر بوم است. در راستای شناخت بوم‌گرایی نوین، دو رویکرد مطرح می‌شود؛ رویکرد اول، رویکرد تفسیری و رویکرد دوم، رویکرد محافظانه کارانه یا حفاظتی (Suha, 1986). با توجه به این دسته‌بندی، معماری بومی در هر یک از این دیدگاه‌ها که بررسی شود بازخورد متفاوتی خواهد داشت. در جامعه‌ای بومی با دیدگاه گروه اول، یعنی بومی‌گرایی منفی و یا محافظه‌کارانه، معماری به شکل تقلیدی صرف از فرم‌ها، مصالح و طرح‌های محلی، بدون تلاشی برای به‌روزرسانی و درنهایت به ایجاد رابطه‌ای مصنوع و میان اشکال گذشته و افراد امروز منجر می‌شود. اما در نگرش دوم یعنی بومی‌گرایی تفسیری، معمار بومی با شناخت و تسلط کامل بر دانش، پتانسیل‌ها و استعدادهای محلی و نیازهای امروز و فردای بوم از سوی دیگر همواره در پی پاسخ‌های مناسب‌تر و ارتقا یافته خواهد بود (عرفانی زاده و دیگران، ۱۳۹۲؛ Suham, 1986). در این پژوهش، رویکرد تفسیری در مواجه با بوم‌گرایی مدنظر است؛ زیرا علی‌رغم توجه به این میراث با ارزش در اولویت متخصصان قرار گرفته، اما باتوجه به تغییرات دنیای مدرن گرایش انسان‌ها به زندگی در فضاهای مدرن افزایش داشته است. هدف از بوم‌گرایی تفسیری توجه به زمینه طراحی در بافت با دیدگاهی منعطف نسبت به حال و گذشته است. با توجه به ویژگی‌های بوم‌گرایی تفسیری که تأکید بر زمینه در عین نوآوری و توجه به مفاهیم، فرهنگ و کالبد است. بنابراین این رویکرد می‌توان فصل مشترکی میان این دو باشد.

۴. معرفی محدوده پژوهش

دزفول یکی از شهرهای استان خوزستان، در ساحل شرقی رود دز و در جنوب غربی رشته‌کوه زاگرس واقع است و پیشینه آن به چندین هزار سال می‌رسد و از کهن‌ترین شهرهای استان خوزستان به شمار می‌رود و از دید تاریخ و فرهنگ ویژگی‌های برجسته‌ای دارد (امام اهوازی، ۱۳۸۲: ۱۰؛ Attarian and Safar Ali Najar, 2019). محدوده‌های موردمطالعه، در هسته‌های اولیه شکل‌گیری شهر دزفول واقع شده‌اند که با عنوان بافت قدیم یا بافت تاریخی شهر از آن یاد می‌شود. بافت قدیم شهر دزفول مساحتی حدود ۲۰۰ هکتار از شهر را به خود اختصاص داده است. این بافت حائز ویژگی‌های ارزشمند تاریخی و اقتصادی است. بافت قدیمی و اصلی شهر دزفول از به هم پیوستگی محلاتی تشکیل شده که این محلات با توجه به استقرارشان در سطح شهر، از ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی متفاوتی نسبت به هم برخوردارند. ۲۷ محله بافت قدیم شهر دزفول را شکل داده‌اند که همانند سایر شهرهای ایران، محلات مذکور بر مبنای عوامل مختلف ساکنان نظیر قومیت، دین و مذهب، شغل و پیشه و شرایط محیطی و... نام‌گذاری شده و هر یک دارای مرزی معین بوده‌اند. با گذر زمان و به‌خصوص در دهه‌های اخیر، خیابان‌کشی‌های صورت گرفته موجب گسسته شدن مجموعه مذکور شده و مرز محلات نامبرده دستخوش تغییراتی شده‌اند (دیده‌بان، پوردیهیمی و ریسمانچیان، ۱۳۹۲: ۴۵). یکی از ویژگی‌های بافت تاریخی شهر دزفول، در جریان بودن زندگی کاربران در آن می‌باشد. این پویایی، باعث ایجاد برخی تغییرات و تداخلات در بافت تاریخی این شهر شده است.

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۱ . زمستان ۱۳۹۹
Urban managment
No.61 Winter 2020

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]



شکل (۱): محدوده بافت قدیم شهر دزفول نسبت به رودخانه دز، منبع: نگارندگان

اما از طرفی این میراث ارزشمند منطقه، باتوجه به مشکلات و آسیب‌های جدی محیطی و فیزیکی، با خطر نابودی و تخریب قرار گرفته است (شکل ۲، ۳ و ۴). ماحصل آن، پیدایش زمین‌هایی برای ساخت‌وساز جدید در محدوده این بافت می‌باشد. اما این عمل در اکثر موارد، توسط افراد بومی و غیرمتخصص انجام شده و نتیجه آن، ساخت بناهایی بدون ارتباط و با مؤلفه‌های غیربومی در محدوده بافت تاریخی بوده است (شکل ۵، ۶ و ۷). بنابراین بررسی طراحی‌های میان‌افزا در بافت تاریخی شهر دزفول ضروری بوده و از سوی دیگر، توجه به بوم و زمینه این شهر، به‌منظور توسعه و رونق آن برای بالا بردن آگاهی افراد و سایر متخصصان از این گنجینه میراث ملموس بسیار حائز اهمیت می‌باشد.



شکل (۲، ۳ و۴): تخریب‌های ایجاد شده به صورت عمدی و یا بر اثر شرایط محیطی در محدوده بافت تاریخی دزفول، منبع: نگارندگان



شکل (۵، ۶و ۷) ساخت‌وسازهای انجام شده در محدوده بافت تاریخی دزفول، منبع: نگارندگان

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۱ . زمستان ۱۳۹۹
Urban managment
No.61 Winter 2020

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

۴. روش تحقیق

روش انجام این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی و روش جمع‌آوری اطلاعات از طریق روش پیمایشی است. باید اذعان نمود که به‌طور کلی دیدگاه‌های مختلفی در زمینه ارزیابی کیفیت طراحی محیط مطرح شده است اما به‌منظور پیشبرد اهداف این پژوهش معیارهای مورد بررسی با اقتباس از گیفورد بوده و شامل شش ویژگی شناختی ارزیابانه شامل: انسجام، معنادار بودن، دلپذیر و خوشایند بودن، پیچیدگی، ارتباط نزدیک با زمینه و نوآوری می‌باشد (Gifford & Hine, 2002: 131-154). فرایند این بررسی در دو مرحله کلی انجام می‌پذیرد. در مرحله اول، شش عامل، به صورت کلی از دیدگاه متخصصان که تمامی متخصصان دانشگاه صنعتی جندی‌شاپور شهر دزفول انتخاب شده، به روش تاپسیس ارزیابی می‌شوند که سطح تحصیلات و رشته آنها در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود.

جدول (۳): مشخصات جامعه آماری

جامعه آماری	رشته	تحصیلات	
		کارشناسی ارشد	دکتری
۱۵	معماری	–	۷
	شهرسازی	–	۵
	مرمت	۳	–

روش ارزیابی در این پژوهش در براساس روش تاپسیس است. تاپسیس یکی از روش‌های مورد استفاده در تصمیم‌گیری چند معیاره و یکی از انواع مدل‌های تصمیم‌گیری براساس چندین شاخص که می‌تواند راه‌گشای بسیاری از مسائل تصمیم‌گیری برای مدیران و برنامه‌ریزان باشد (ثقفی اصل، زبردست و ماجدی، ۱۳۹۲، ۷۵؛ نوجوان و دیگران، ۱۳۹۰، ۲۸۹). این مدل برای اولین بار در سال ۱۹۸۱، توسط هوانگ و یون ارائه گردید و با اصلاحاتی که بر روی آن انجام شد، به‌عنوان یکی از دقیق‌ترین روش‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه در بین برنامه‌ریزان می‌باشد. اساس کار آن دارای پایه‌های نظری قویتری نسبت به تکنیک‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه است. پایه‌های نظری این تکنیک بر این رابطه استوار است که ابتدا ایده‌آل‌های مثبت (کارآمدترین حالت) و ایده‌آل‌های منفی (ناکارآمدترین حالت) را برای هر یک از شاخص‌ها محاسبه می‌کند و سپس فاصله هر گزینه از ایده‌آل‌های مثبت و منفی محاسبه می‌شود. گزینه منتخب، گزینه‌ای است که کمترین فاصله را از ایده‌آل‌های مثبت و بیشترین فاصله را از ایده‌آل‌های منفی داشته باشد. این تکنیک به‌گونه‌ای طراحی شده که می‌توان نوع شاخص‌ها را از لحاظ تأثیر مثبت یا منفی داشتن بر هدف تصمیم‌گیری در مدل دخالت داده و نیز اوزان و درجه اهمیت هر شاخص را در مدل وارد نمود. به‌منظور به‌کارگیری تکنیک تاپسیس برای رتبه‌بندی و انتخاب بهترین گزینه از میان گزینه‌های موجود، باید مراحل زیر را به ترتیب طی نمود:

- تشکیل ماتریس تصمیم‌گیری
- وزن‌دهی به شاخص‌ها
- کمی سازی ماتریس تصمیم‌گیری
- تشکیل ماتریس بی مقیاس شده
- یافتن ماتریس بی مقیاس شده موزون
- یافتن ایده‌آل‌های مثبت و منفی
- یافتن فاصله هر شاخص از جواب‌های ایده‌آل برای هر گزینه
- تعیین نزدیکی نسبی هر گزینه به پاسخ ایده‌آل
- رتبه‌بندی (کامیابی و طاهری، ۱۳۹۴: ۳۳).

در این پژوهش به‌منظور وزن‌دهی به شاخص‌ها از روش آنتروپی شانون استفاده شده است. آخرین مرحله در تکنیک تاپسیس، رتبه‌بندی و تعیین بهترین گزینه می‌باشد. برای این منظور کافی است تا فاصله نسبی هر گزینه که به کمک رابطه بالا محاسبه شود و به ترتیب بزرگ به کوچک مرتب شود. در این حالت گزینه‌ای که دارای بزرگترین فاصله نسبی نسبت به سایر گزینه‌ها باشد، بالاترین رتبه را به خود اختصاص می‌دهد (اصغرپور، ۱۳۸۵: ۸۷؛ ثقفی اصل، زبردست و ماجدی، ۱۳۹۲: ۷۵). ساختار کلی این پژوهش در شکل ۷ قابل مشاهده است.

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۱ . زمستان ۱۳۹۹
Urban managment
No.61 Winter 2020

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]



شکل (۷): ساختار کلی پژوهش

مؤلفه‌های مورد بررسی در این پژوهش در ابعاد فیزیکی و هویتی–معنایی مورد بررسی قرار گرفته‌اند که در جدول شماره ۴، معرفی شده‌اند.

جدول (۴): مؤلفه‌های مورد بررسی

فیزیکی	ویژگی شناختی	هویتی–معنایی
	انسجام با زمینه	
	معنادار بودن در زمینه	
	دلپذیر و خوشایند بودن در زمینه	
	پیچیدگی در زمینه	
	ارتباط نزدیک با زمینه	
	نوآوری در زمینه	

۴. یافته‌ها و بحث

در این بخش، شش مؤلفه شناختی مورد بررسی از دیدگاه هر گروه جامعه آماری در جدول ۵ مشخص شده‌اند. این مؤلفه‌ها برای هر فرد در دو بعد کالبدی و هویتی–معنایی سنجیده شده‌اند. قابل ذکر است که امتیازها براساس طیف لیکرت (۱ تا ۵) بوده که امتیاز ۱ به‌عنوان کمترین و ۵ به‌عنوان بیشترین امتیاز لحاظ شده است.

براساس نتایج حاصل از مدل تاپسیس داده‌ها، از دیدگاه معماران، ارتباط نزدیک با زمینه، انسجام، معنادار بودن و نوآوری در زمینه بهترین راهکار در میان مؤلفه‌های ذکر شده بوده‌اند. در نگاهی دیگر از منظر کالبدی و معنایی، باید ذکر کرد که ابعاد کالبدی و فیزیکی به جز مؤلفه معنادار بودن در زمینه اولویت بالاتری نسبت به ابعاد

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۱ . زمستان ۱۳۹۹
Urban managment
No.61 Winter 2020

جدول (۵): نتایج حاصل از پرسشنامه در سه رشته معماری، شهرسازی و مرمت

ویژگی شناختی	معماری		شهرسازی		مرمت	
	فیزیکی	هویتی–معنایی	فیزیکی	هویتی–معنایی	فیزیکی	هویتی–معنایی
انسجام با زمینه	۳۲	۳۱	۲۰	۲۵	۱۴	۱۴
معنادار بودن در زمینه	۳۲	۳۳	۲۵	۱۷	۱۴	۱۲
دلپذیر و خوشایند بودن در زمینه	۳۰	۲۴	۲۵	۱۸	۱۵	۱۱
پیچیدگی در زمینه	۱۵	۱۸	۱۰	۶	۴	۴
ارتباط نزدیک با زمینه	۳۲	۳۱	۲۳	۲۰	۱۵	۱۱
نوآوری در زمینه	۳۳	۸	۱۲	۶	۷	۳

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

معنایی- هویتی داشته‌اند (شکل ۸). از سوی دیگر، باتوجه به تصویر شماره ۴ و نظر شهرسازان، انسجام دلپذیر بودن، ارتباط با زمینه و معنادار بودن در زمینه ارجحیت داشته‌اند و ابعاد کالبدی و معنایی نیز دارای تفاوت‌هایی با معماران است. برای مثال انسجام با زمینه برای شهرسازان از بعد معنایی-هویتی دارای امتیاز بالاتری بوده است و مؤلفه معنادار بودن در زمینه از برخلاف معماران از بعد کالبدی-فیزیکی ارجحیت دارد (شکل ۹). از دیدگاه متخصصان رشته مرمت، ۴ مؤلفه‌ای که در دو رشته دیگر ارجحیت داشته‌اند، نیز امتیاز بالاتری داشته‌اند (شکل ۱۰).

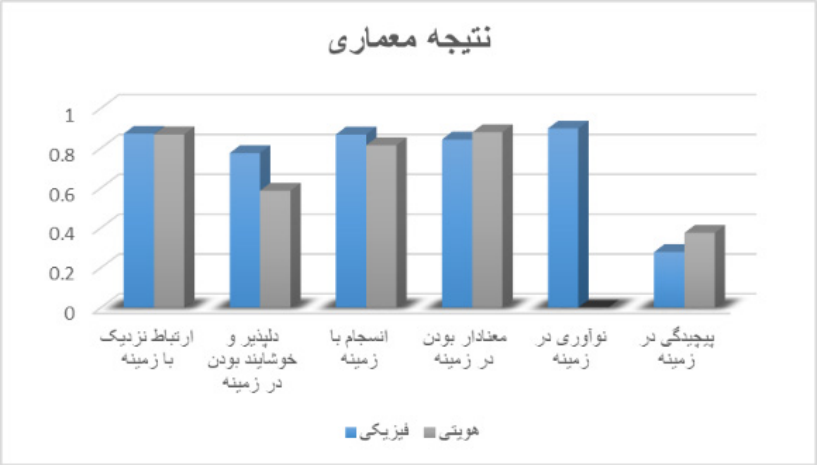
جدول (۶): نتایج حاصل از تاپسیس ویژگی‌های شناختی در ابعاد فیزیکی و هویتی- معنایی در سه رشته معماری، شهرسازی و مرمت

ویژگی شناختی	فیزیکی	هویتی- معنایی
معماری		
ارتباط نزدیک با زمینه	۰.۸۷۲۴۲۰۴۳۵	۰.۸۶۹۲۱۳۴۸۹
دلپذیر و خوشایند بودن در زمینه	۰.۷۷۵۱۴۹۶۲۶	۰.۵۸۶۱۵۵۷۷۳
انسجام با زمینه	۰.۸۶۸۴۱۳۱۳۷	۰.۸۱۴۱۵۷۶۵
معنادار بودن در زمینه	۰.۸۴۲۹۳۰۸۱۲	۰.۸۷۹۸۵۷۳۷۵
نوآوری در زمینه	۰.۸۹۸۶۵۶۹۰۴	۰.۰۰۰۰۱
پیچیدگی در زمینه	۰.۲۷۸۶۴۰۵۹۷	۰.۳۷۴۸۸۴
شهرسازی		
ارتباط نزدیک با زمینه	۰.۸۶۲۸۰۲	۰.۶۹۰۳۵۱
دلپذیر و خوشایند بودن در زمینه	۱	۰.۶۰۰۱۱۱
انسجام با زمینه	۰.۷۵	۱
معنادار بودن در زمینه	۰.۹۲۳۵۷۱	۰.۶۰۵۸۱۷
نوآوری در زمینه	۰.۳۱۷۰۳۳	۰.۰۷۶۴۲۹
پیچیدگی در زمینه	۰.۲۵	۰.۰۸۳۵۹۷
مرمت		
ارتباط نزدیک با زمینه	۱	۰.۶۵۵۰۵۸
دلپذیر و خوشایند بودن در زمینه	۱	۰.۶۵۵۰۵۸
انسجام با زمینه	۰.۸۶۱۶۲	۰.۸۶۹۸۹۴
معنادار بودن در زمینه	۰.۸۶۳۳۶۴	۰.۷۱۳۴۳۹
نوآوری در زمینه	۰.۳۴۷۰۵	۰
پیچیدگی در زمینه	۰.۱۳۶۶۳۶	۰.۱۳۰۱۰۶

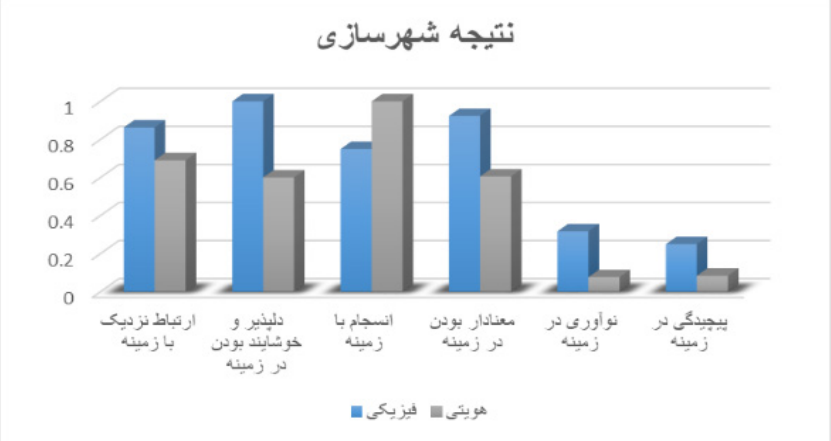
نکته حائز اهمیت این است که به‌طور کلی در سه رشته، ارتباط نزدیک با زمینه دلپذیر بودن و خوشایند بودن در زمینه، نوآوری در زمینه از طریق بعد کالبدی ارجحیت داشته است.

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۱ . زمستان ۱۳۹۹
Urban managment
No.61 Winter 2020

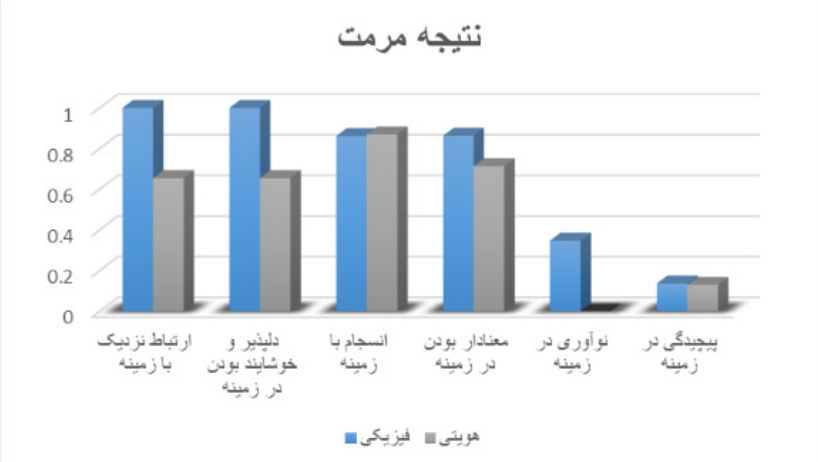
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]



شکل (۸): نتایج حاصل برای گروه معماران



شکل (۹): نتایج حاصل برای گروه شهرسازان



شکل (۱۰): نتایج حاصل برای گروه مرمت‌گران

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۱ . زمستان ۱۳۹۹
Urban managment
No.61 Winter 2020

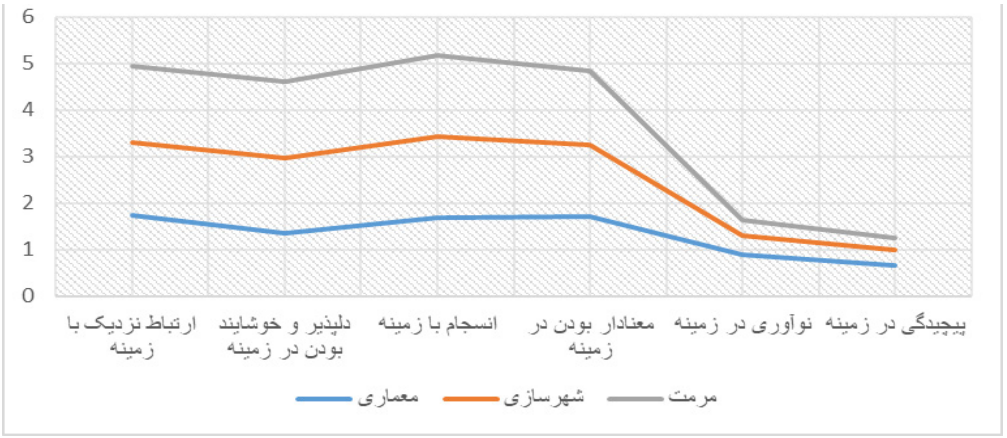
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

در مرحلـه بعـد، نتایـج حاصـل از ویژگی‌هـا را فـارغ از دیـد کالبـدی و معنایـی بررسـی نمـوده (جـدول ۷) کـه نتیجـه آن در شـکل ۱۱ قابـل مشـاهده اسـت.

جدول (۷): نتایج حاصل از تاپسیس ویژگی‌های شناختی در سه رشته معماری، شهرسازی و مرمت

ویژگی شناختی	معماری	شهرسازی	مرمت
ارتباط نزدیک با زمینه	۱.۷۴۱۶۳۳۹۲۳	۱.۵۵۳۱۵۳	۱.۶۵۵۰۵۸
دلپذیر و خوشایند بودن در زمینه	۱.۳۶۱۳۰۵۳۹۹	۱.۶۰۰۱۱۱	۱.۶۵۵۰۵۸
انسجام با زمینه	۱.۶۸۲۵۷۰۷۸۷	۱.۷۵	۱.۷۳۱۵۱۴
معنادار بودن در زمینه	۱.۷۲۲۷۸۸۱۸۷	۱.۵۲۹۳۸۸	۱.۵۷۶۸۰۳
نوآوری در زمینه	۰.۸۹۸۶۶۶۹۰۴	۰.۳۹۳۴۶۱	۰.۳۴۷۰۵
پیچیدگی در زمینه	۰.۶۵۳۵۲۴۵۹۷	۰.۳۳۳۵۹۷	۰.۲۶۶۷۴۲

این نتایج بیان می‌کند که انسجام، ارتباط نزدیک، معنادار بودن، دلپذیر و خوشایند بودن، نوآوری و درنهایت پیچیدگی در زمینه ترتیب اولویت مؤلفه‌ها در میان سه رشته معماری، شهرسازی و مرمت در میان متخصصان می‌باشد.



شکل (۱۱): نتایج کلی حاصل از سه رشته

به صورت کلی در میان متخصصان سه رشته، انسجام با زمینه، معنادار بودن در زمینه و ارتباط نزدیک با زمینه و خوشایند بودن در بستر و زمینه از اهمیت بالایی برخوردار هستند. این امر بیانگر آن است که بستر و زمینه به‌عنوان عنصر اصلی هر بافت تاریخی، هسته مرکزی توجه و الهام می‌باشد. از سوی دیگر، در بوم‌گرایی بالاخص بوم‌گرایی تفسیری که رویکرد اصلی این پژوهش است، بستر و زمینه، بخش جدایی‌ناپذیری است که عدم توجه به آن، پیامدهای منفی به بار خواهد آورد. بنابراین در طراحی میان‌افزا در بافت تاریخی شهر دزفول، از دیدگاه متخصصان این شهر، بستر و زمینه مهمترین عنصری است باید الگوی طراحی در این بافت قرار گیرد.

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۱ . زمستان ۱۳۹۹
Urban managment
No.61 Winter 2020

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

۵. نتیجه‌گیری

در جامعه معاصر امروز رشد و توسعه در بافت‌های تاریخی، نیازمند دقت و توجه لازم است. لذا تدوین چهارچوبی برای طراحی میان‌افزا در این مکان‌ها بسیار ضروری می‌باشد. این چهارچوب‌ها نیز باید با توجه به ویژگی‌های بومی هر بافت در شهرهای مختلف صورت پذیرد تا به نقاط ضعف و ظرفیت‌های آن به‌طور دقیق‌تری توجه شود و دقیقاً منطبق با ظرفیت‌های بومی هر بافت باشند. برخلاف نتایج پژوهش‌های پیشین و وجود تضادهایی میان نتایج حاصل از متخصصان سه رشته و اولویت‌های آنها در طراحی میان‌افزا، با توجه به یافته‌های این پژوهش متخصصان معماری، شهرسازی و مرمت در شهر دزفول و باتوجه به ویژگی‌ها و نیازهای بافت تاریخی این شهر، راهکارها و مؤلفه‌هایی که دارای بیشترین گرایش به سمت تطابق زمینه و درنتیجه تطابق براساس رویکرد بوم‌گرایی تفسیری بوده‌اند، دارای ارجحیت می‌باشد. تفاوت‌های موجود در میان استفاده از ابعاد کالبدی-فیزیکی و هویتی-معنایی در میان متخصصان این سه رشته است که باتوجه به تفاوت‌های دیدگاهی این سه رشته در برخورد با بافت‌های تاریخی، طبیعی است. بنابراین براساس نتایج این پژوهش (شکل ۶)، براساس نتایج حاصل از سه رشته معماری، شهرسازی و مرمت، مؤلفه‌هایی که باید در طراحی میان‌افزا در بافت تاریخی شهر دزفول موردتوجه ویژه قرار گیرند، به ترتیب زیر می‌باشد:

۱- انسجام با زمینه

۲- ارتباط نزدیک با زمینه

۳- معنادار بودن در زمینه

۴- دلپذیر و خوشایند بودن در زمینه

۵- نوآوری در زمینه

۶- و پیچیدگی در زمینه

نتایج بیانگر این امر است، که توجه به زمینه و بستر که شالوده اصلی بوم‌گرایی است، در اولویت متخصصان سه رشته قرار دارد. به صورت کلی، هرکدام از این مؤلفه‌ها از دیدگاه معماران، شهرسازان و مرمت‌گران بررسی شده و باید ترتیب اولویت آنها در طراحی از بعد کالبدی-فیزیکی و یا معنایی-هویتی ملاک قرار گیرد تا مجموع طراحی از دیدگاه سه رشته خوشایند بوده و پتانسیل‌های بافت تاریخی به بهترین شکل ممکن به کار گرفته شوند تا به صورت دقیق‌تری منطبق بر رویکرد بوم‌گرایی تفسیری مرتبط با هر بافت شکل گیرد. بوم‌گرایی نوین، تفسیری معاصر از بنای بومی است. در واقع، معماری معاصر را در محیط بومی ارائه می‌دهد که از عناصر بومی الهام گرفته شده است و زبان فناوری و زیبایی‌شناسی زمان خود را بیان می‌کند. این امر در شهر دزفول منجر به رونق بافت تاریخی شهر شده و از طرف دیگر، می‌تواند گامی مؤثر در حفظ بافت تاریخی این شهر و همچنین رونق صنعت گردشگری از طریق ساخت اقامتگاه‌های بوم گردی در دل بافت تاریخی این شهر با استفاده از طراحی میان‌افزا، گردد.

منابع

۱. اسمعیلی سنگری، حسین، (۱۳۹۳)، راهکارهای احیاء بافت‌های تاریخی به‌مثابه هویت واجد ارزش شهری؛ مورد پژوهی: محور تاریخی تربیت تبریز. مدیریت شهری و روستایی. ۱۳ (۳۷) :۳۵-۵۶

۲. ۲- اصغرپور، محمدجواد، (۱۳۸۵)، تصمیم‌گیری‌های چند معیاره، چاپ چهارم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

۳. امام اهوازی، محمدعلی، (۱۳۸۲)، مقالاتی درباره تاریخ جغرافیایی دزفول، انتشارات دزفول، دزفول.

۴. باحقیقت منگودهی، حمیدرضا، پرویزی، رضا، کریمی آذری، امیررضا و سپیده نمازی جوکندان (۱۳۹۹). بررسی میزان تأثیرگذاری عناصر معماری بومی بر سرزندگی شهروندان در محلات بافت قدیم رشت (نمونه موردی: محله ساغری سازان). مدیریت شهری, ۱۴(۴۰), ۲۶۹-۲۸۴.

۵. بمانیان محمدرضا، کلوی آیلار، اشکوه حسین. تبیین رویکرد انتخاب استراتژی مدیریت توسعه مناطق ساحلی با تأکید بر بوم گرایی. مدیریت شهری و روستایی. ۱۳۹۱; ۱۰ (۳۰) :۱۹-۳۸

۶. پورموسوی، سیدموسی، ناصر مستوفی، انوشیروان و شکوهی بیدهندی، محمدصالح، (۱۳۹۳)، شناسایی اصول و راهکارهای اجرایی توسعه میان‌افزا در شهر تهران به‌عنوان یکی از ابعاد توسعه شهری پایدار، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۶ (۴)، ۳۷-۵۷.

مدیریت شهری

فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۱ . زمستان ۱۳۹۹

Urban managment
No.61 Winter 2020

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

۷. تابـان، محسـن، پورجعفـر، محمدرضـا. (۱۳۸۷). بازشناسـی عوامـل هویتـی بافـت تاریخـی دزفـول و کاربـرد آنهـا در توسـعه شـهر، مدیریـت شـهری، ۶(۲۲)، ۲۳- ۴۱.

۸. تـرک زبـان، شـقایق، محمـد مـرادی, اصغـر. (۱۳۹۰). ضوابـط طراحـی معمـاری در بافت‌هـای تاریخـی. معمـاری اقلیـم گـرم و خشـک. ۱(۱). ۵۳-۶۶.

۹. تلخابـی، حمیدرضـا، شـماعی، علـی، داودپـور، زهـره و اصغـر شـکیبایی، (۱۳۹۵). تحلیلـی بـر بافت‌هـای سـنتی و جدیـد و ارائـه شـاخص‌های بومـی برنامه‌ریـزی توسـعه شـهری (مطالعـه مـوردی؛ بافـت تاریخـی و شـهرک امیرکبیـر اراک)، فصلنامـه مطالعـات شـهر ایرانـی اسـلامی، ۷(۲۵)، ۷۱-۸۲.

۱۰. ثقفـی اصـل، آرش، زبردسـت، اسـفندیار و ماجـدی، حمیـد، (۱۳۹۲)، کاربـرد تکنیـک تاپسـیس در رتبه‌بنـدی پروژه‌هـای طراحـی شـهری تهـران بـا رویکـرد سـنجش تحقق‌پذیـری، نشـریه هنرهـای زیبـا - معمـاری و شهرسـازی دوره ۱۸ شـماره ۴، زمسـتان، ۶۹-۷۸.

۱۱. خـوش انـدام, زهـره, وزیـری, وحیـد, حاتمـی خانقاهـی, توحیـد. (۱۳۹۷). راهکارهـای حفـظ ارزش‌هـای معمـاری بومی در طراحـی بناهـا و محـلات معاصـر شـهر اردبیـل. نشـریه علمـی اندیشـه معمـاری, ۲(۴), ۴۵-۵۲. doi: ۱۰,۳۰۴۷۹/ ۲۰۱۸,۱۵۳۷.at

۱۲. دیده‌بـان، محمـد، پوردیهیمـی، شـهرام و ریسـمانچیان، امیـد (۱۳۹۲)، روابـط بیـن «ویژگی‌هـای شـناختی» و «پیکره‌بنـدی فضایـی» محیـط مصنـوع، تجربـه‌ای در دزفـول، مطالعـات معمـاری ایـران، ۱ (۴) :۳۷-۶۴.

۱۳. رفیعیـان، مجتبـی، براتـی، ناصـر و آرام، مرضیـه، (۱۳۸۹)، سـنجش ظرفیـت توسـعه فضاهـای بـدون اسـتفاده در مرکـز شـهر قزویـن بـا تأکیـد بـر رویکـرد توسـعه میان‌افـزا، نامـه معمـاری و شهرسـازی، شـماره پنجـم، پائیـز و زمسـتان، ۴۵-۶۱.

۱۴. رهنمایـی، محمدتقـی و شاه‌حسـینی، پروانـه، (۱۳۸۹)، فرآینـد برنامه‌ریـزی شـهری ایـران. چـاپ ششـم، تهـران: سـمت.

۱۵. زال محمدحسـن، رمضانـزاده لسـبوئی مهـدی، اسـماعیلی امیـن. بافـت سـنتی شـهری و نقـش آن در توسـعه‌ی گردشـگری میـراث فرهنگـی (مطالعـه‌ی مـوردی: بافـت قدیـم شـهر سـاری)، (۱۳۹۷)، مدیریـت شـهری و روسـتایی.; ۱۷ (۵۳) :۷-۲۶.

۱۶. زبردسـت، اسـفندیار، (۱۳۸۰)، کاربـرد فرآینـد تحلیـل سلسـله مراتبـی در برنامه‌ریـزی شـهری و منطقـه‌ای، نشـریه هنرهـای زیبـا، شـماره ۱۰،

۱۷. شـاه‌تیموری، یلـدا و مظاهریـان، حامـد، (۱۳۹۱)، رهنمودهـای طراحـی بـرای سـاختارهای جدیـد در زمینـه تاریخـی. هنرهای زیبا، ۱۷(۴)، ۲۹-۴۰.

۱۸. صارمـی، حمیدرضـا. (۱۳۹۲). بررسـی توسـعه از درون شـهر بروجـرد. مجلـه مدیریـت شـهری، شـماره ۳۲، ۲۲۹ – ۳۱۰.

۱۹. ضرغامـی، اسـماعیل و سـادات، سـیده اشـرف، (۱۳۹۶)، تکنولـوژی و معمـاری بومـی، چـاپ اول، تهـران: انتشـارات دانشـگاه تربیـت دبیـر شـهید رجایـی.

۲۰. عبدالحمیـدی، مهسـا، جلیلـی صدرآبـاد، سـمانه، دولت‌آبـادی، فریبـرز، (۱۳۹۸)، انتخـاب الگوهـای معمـاری میان‌افـزا مناسـب در بافـت تاریخـی بـا تمرکـز بـر خوانـش ویژگی‌هـای کالبـدی- فضایـی. مدیریـت شـهری و روسـتایی، ۱۸ (۵۵) :۲۵۵-۲۷۶

۲۱. عرفانـی زاده، زهـرا؛ فرضیـان، محمـد؛ معصومـه عرفانـی زاده. (۱۳۹۲). معمـاری بومـی پاسـخگوی نیـاز امـروز معمـاری. هشـتمین کنفرانـس معمـاری و شهرسـازی، توسـعه پایـدار بـا محوریـت معمـاری بومـی تـا شـهر پایـدار، مشـهد، موسسـه آمـوزش عالـی خـاوران.

۲۲. عطایـی رقیـه، پورمحمـدی محمدرضـا. تأثیـر مؤلفه‌هـای هویـت کالبـدی و فعالیتـی بافت‌هـای تاریخـی در ایجـاد تعامـلات اجتماعـی. مدیریـت شـهری و روسـتایی. ۱۳۹۴; ۱۴ (۴۱) :۲۲۹-۲۴۶

۲۳. علـوی زاده، سـیده الهـام، اسـلامی، سـید غلامرضـا و حبیـب، فـرح، (۱۳۹۷)، بررسـی تأثیـر میـزان زمینه‌گرایـی بناهـای میان‌افـزا بـر تـداوم حیـات بافـت تاریخـی بـازار سـنتی ایرانـی (نمونـه مـوردی: حریـم درجـه دو بافـت تاریخـی بـازار سـنتی اردبیـل، فصلنامـه پژوهش‌هـای معمـاری اسـلامی، شـماره ۱۸، بهـار،(۶): ۶۹-۸۶.

۲۴. علـی محمـدی، غلامرضـا، عبدالهـی، رکسانا، (۱۳۹۷). تبییـن مبانـی نمـود فرهنـگ در معمـاری بومـی ایـران و ارتبـاط آن بـا ایجـاد حـس تعلـق بـه مـکان، نشـریه مدیریـت شـهری، ۱۷(۵۰)، ۳۳-۴۶.

۲۵. علیرضـا غفـاری، (۱۳۹۶). تحلیـل نشـانه شـناختی بافـت تاریخـی کرمـان برپایـه ارتبـاط لایه‌هـای متـن/ بافـت، نشـریه مدیریـت شـهری، ۱۶(۴۸)، ۱۲۹-۱۴۴.

۲۶. عندلیـب، علیرضـا، (۱۳۸۹)، نوسـازی بافت‌هـای فرسـوده حرکتـی نـو در شـهر تهـران. چـاپ اول، تهـران: سـازمان نوسـازی شـهر تهـران.

۲۷. فروغمنـد اعرابـی, هومـن, خبـازی, مریـم, فروغمنـد اعرابـی, هوشـنگ. (۱۳۹۵). ارزیابـی منابـع تأثیرگـذار طراحـی شـهری در ایـران براسـاس رویکـرد بومی‌سـازی. معمـاری و شهرسـازی آرمان‌شـهر, ۹(۱۷), ۲۶۳-۲۷۱.

۲۸. قادریـان، مسـعود، (۱۳۹۶)، چهارچـوب توسـعه میان‌افـزا در بافت‌هـای تاریخـی. بررسـی مـوردی: دسـتور کار طراحـی سـایت ایلچـی خـان در بافـت تاریخـی یـزد، نامـه معمـاری و شهرسـازی، پائیـز و زمسـتان، (۱۹): ۹۳-۱۱۲.

۲۹. قدیـری، بهـرام، (۱۳۸۵)، سـاختارهای جدیـد در محیط‌هـای تاریخـی. تهـران: دفتـر پژوهش‌هـای فرهنگـی.

۳۰. قره‌بگلـو، مینـو، نژادابراهیمـی، احـد و اردبیلچـی، ایلقـار، (۱۳۹۸)، معمـاری میان‌افـزا؛ رویکـردی میان‌رشـته‌ای بـرای

مدیریت شهری
فصلنامه علمی پژوهشی
مدیریت شهری و روستایی
شماره ۶۱ . زمستان ۱۳۹۹
Urban managment
No.61 Winter 2020

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

طراحی در بافت تاریخی نمونه موردی: مجموعه تجاری مشروطه در بافت تاریخی بازار تبریز، نشریه علمی باغ نظر، مهر، ۱۶ (۷۶)، ۵۷-۶۸.

۳۱. کامیابی، سعید، طاهری، سید مجتبی. (۱۳۹۴). بررسی و مکان‌یابی مراکز پارکینگ طبقاتی با استفاده از روش AHP و TOPSIS (مطالعه موردی :شهر سمنان). مطالعات ساختار و کارکرد شهری، ۳(۹)، ۲۷-۴۱.

۳۲. کلانتری خلیل‌آباد، حسین، پوراحمد، احمد، (۱۳۸۴)، مدیریت و برنامه‌ریزی احیاء ناحیه تاریخی شهر یزد، پژوهش‌های جغرافیایی، ۹۲-۷۷.

۳۳. مسعود, محمد، بیگ زاده، حمیدرضا. ۱۳۹۲ . بناهای میان‌افزا د ر بافت تاریخی. تهران: انتشارات آذرخش

۳۴. مسعود، محمد و بیگ زاده شهرکی، حمیدرضا. (۱۳۹۱). بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی (مبانی طراحی و معیارهای ارزیابی). تهران: آذرخش.

۳۵. ملکشاهی، غلامرضا، قدمی، مصطفی، باقری حجت، مژگان. (۱۳۹۷). ظرفیت سنجی توسعه میان‌افزا در حوزه‌های اصلی و فضاهای ساخته شده منطقه دو اهواز. مطالعات ساختار و کارکرد شهری، ۵(۱۶)، ۱۲۹-۱۵۲. doi: ۲۰۱۸,۲۰۱۵.shahr/۱۰,۲۲۰۸۰

۳۶. ملک شاهی، غلامرضا؛ لطفی، صدیقه و مهدوی، مهدیه (۱۳۸۹). برنامه‌ریزی راهبردی به‌منظور بهسازی بافت‌های فرسوده شهری (نمونه موردمطالعه: شهر بابل)، نشریه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۳ (۱)، ۱۹۳-۲۰۶

۳۷. موسوی, میرسعید, حبیب, فرح, ماجدی, حمید. (۱۳۹۵). بازشناسی ویژگی‌های کالبدی- فضایی بافت قدیم شهر در ایران. هویت شهر، ۱۰(۴)، ۱۹-۲۸.

۳۸. میرمقتدایی، مهتا، رفیعیان، مجتبی و سنگی، الهام، (۱۳۸۹)، تأملی بر مفهوم توسعه میان‌افزا و ضرورت آن در محلات شهری، ماهنامه شهرداری‌ها، ۱۰ (۹۸)، ۵۱

۳۹. نائینی، شکوفه سادات، سهیلی، جمالالدین، (۱۳۹۸)، استراتژی ترجیحی طراحی بناهای میان‌افزا در بافت‌های تاریخی از دیدگاه متخصصان معماری، شهرسازی و مرمت، معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، شماره ۲۷، تابستان، ۱۱۱-۱۱۸.

۴۰. نوجوان، مهدی؛ محمدی، علی‌اصغر؛ صالحی، اسماعیل؛ (۱۳۹۰)، کاربرد روش‌های تصمیم‌گیری چند معیاره در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای با تأکید بر روش‌های TOPSIS و SAW، مدیریت شهری و روستایی،۹ (۲۸)، ۲۸۵-۲۹۶.

41. Attarian, Koorosh, Safar Ali Najar, Behnaz (2019) "Vernacular and historic underground urban facilities and sustainability of cities case study: Infrastructures of Dezful", Journal of Cultural Heritage Management and Sustainable Development, Vol. 9 Issue: 1, pp.2-23,https://doi.org/10.1108/JCHMSD-06-2017-0030
42. Brunskill, R. W. (1971). Illustrated Handbook of Vernacular Architecture. 1st ed. London: Faber and Faber.
43. CABE. (2005). Design coding: testing its use in England. London: Commission for Architecture and the Built Environment.
44. Farris, J. T. (2001). The Barriers to Using Urban Infill Development to Achieve Smart Growth. Housing Policy Debate, 12(1), 1-30.
45. Haughey, R. M. (2001). Urban infill housing: Myth and fact. Washington, D.C: Urban Land Institute.
46. Oliver, P. 1969. Shelter and Society. London: Barrie and Cresset.
47. Oliver, P. (1997). Encyclopedia of Vernacular Architecture of the World. Cambridge: Cambridge University Press.
48. Robinson & Cole LLP. (2002). Best Practices to Encourage Infill Development. New York: National Association of Realtors. Retrieved from: https://www.nar.realtor/smart_growth.nsf/ docfiles/infilldevelopment.pdf/$FILE/infilldevelopment.pdf
49. Rudofsky, B. 1964. Architecture without Architects. Bath: Pitman Press.
50. Suha, O. (1986), regionalism with modernism-regionalism in architecture, seminar exploring architecture in Islamic cultures ll, Dhaka, Bangladesh
51. Trancik, R. (1986) . Finding Last Space: Theories of Urban Design. New York: Van Nostrand Reinhold.
52. Warren, J., Worthington, J. & Taylor. S. (1998). The historical context: principles and philosophies. Boston: Architectural press.
53. Worthington, J. (1998). Conservation through development. University of York: Architectural Press.
54. Xiaoxin Zhao & Kelly Greenop (2019) From 'neo-vernacular' to 'semi-vernacular': a case study of vernacular architecture representation and adaptation in rural Chinese village revitalization, International Journal of Heritage Studies, 25:11, 1128-1147, DOI: 10.1080/13527258.2019.1570544

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]